

متن پرسش

با سلام محضر بنده الله استاد طاهرزاده: بخش مصاحبه با استاد شما را مرور کردم دو سوال پیش آمد امیدوارم هر دو را پاسخ دهید ۱. در آنجا آمده که سه روز آخر هفته را به قم می‌رفتم و در مدرسه‌ی حَقّانی به ادبیات عرب و خواندن فلسفه پرداختم. البته بعداً فلسفه و عرفان محی‌الدین و تاریخ اسلام را با جدّیت بیشتر ادامه دادم سوال من اینست که چه شد فلسفه و عرفان را برای مطالعه انتخاب کردید با توجه به اینکه حقانیت این دو مورد تردید است و برخی چون مکتب تفکیک و ... آن را رد می‌کنند آیا آن زمان که فلسفه را آغاز کردید آگاهانه انتخاب کردید و ابتدا تمام شبهاتی که مربوط به فلسفه بود را رد کردید یا بر اساس فضایی که در آن قرار داشتید به فلسفه و عرفان پرداختید این را از این نظر می‌پرسم که برایم مبهم است که چرا یکی تفکیکی می‌شود دیگری فلسفی خودم به این نتیجه رسیدم همانطور که در مورد دین و مذهب عوامل بیرونی چون والدین موثرند درین مثال هم عوامل بیرونی چون استاد و جو حاکم موثرند درین صورت آیا نباید فاتحه معرفت که بنیانش چنین سست است را خواند؟ ۲. آیا حضرتعالی زندگی نامه مفصل تری نشر نمی‌دهید البته مقصود حقیر بیشتر در زمینه سیر مطالعاتیست که داشتید می‌خواهم بدانم که چگونه شاکله فکری شما شکل گرفت و تداوم دادید حقیر با این که به ده ها هزار کتاب به صورت فایل و کتاب دست یابی دارم و لکن در میان این همه حیرانم که چگونه مطالعه کنم و کار کنونی ام پراکنده خوانیست البته کتاب ادب عقل و خیال را خواندم باز مکفی نیست چون شما مطالعه انسانهای عالم داری چون علامه را توصیه می‌کنید لکن من چون نسبت به فلسفه و عرفان در موضع تردیدم نمی‌توانم آنها را انتخاب کنم و سیر مطالعاتی می‌خواهم که به اشکال سوال قبلی دچار نبوده و از بدیهیات آغار شود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» نمونه‌ی خوبی برای گرایش امثال ما به فلسفه و عرفان بود از آن جهت که تلاش داشتیم از یک طرف نسبت به دین تعقل و تفکر کنیم و با عمق بیشتری دین را بیابیم، و از طرف دیگر در ارائه‌ی آن زبان مناسبی را به‌کار گیریم ۲- به نظر بنده شخصیت‌هایی همچون حضرت امام و علامه و شهید مطهری «رحمة‌الله‌علیهم» بهتر توانستند آن نقشی که پیامبر و اهل‌البیت «علیهم‌السلام» می‌خواستند در جامعه محقق شود را، شکل دهند و میدان ظهور حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» را فراهم نمایند. آنچه بنده با حوصله‌ی زیاد در نوشته‌های آقایان تفکیکی دیدم صرفاً نقد فلسفه بود آن‌هم در حدّی که دقیقاً متوجه‌ی روح آن

نشده بودند و به همین جهت به آقای میلانی گفتم یک ماه بیایند تا من کمی به ایشان فلسفه درس بدهم ببینند فلسفه همانی است که ایشان فهمیدند که البته ایشان عصبانی شدند. بنده معتقدم آقایان، جایگاه تفکر فلسفی را متوجه نیستند و با نگاه به مفرداتِ یک تفکر، تفکر روشن نمی‌شود. پیشنهادم برای جنابعالی جهت فهم جایگاه تفکر فلسفه‌ی اسلامی به‌خصوص «حکمت متعالیه»، سلسله مباحثی است که جناب آقای دکتر مهدی امامی‌جمعه داشته‌اند. آن مطالب را می‌توانید در کانال «ندای اندیشه» به آدرس زیر دنبال کنید: موفق باشید

<https://t.me/nedayeandishe/۵۱۷>